



### مدیر خانه سرود، موسیقی و نماهنگ بسیج کشور منصوب شد

طی حکمی از سوی سردار مقواساز، معاون فرهنگی - هنری سازمان بسیج مستضعفین، حسن محمودزاده مدیر خانه سرود، موسیقی و نماهنگ بسیج شد.

### «رقصنده» به سینماهای می آید

پهمن گوهرزی ۳ سال پس از فیلمبرداری رقصنده، این فیلم کمدی را به سینماهای می برد. رقصنده که به تازگی مراحل آماده‌سازی آن به پایان رسیده، در ایران و هنگ کنگ فیلمبرداری شده است. فیلمنامه این فیلم توسط حمید اکبری‌خامنه نوشته شده است که نگارش کمدی سگ‌بند را در کارنامه کاری‌اش دارد. امین حبیبی و امیرحسین رستمی بازیگران این فیلم هستند. داستان فیلم درباره بوکسوری به نام صمد است که به قصد مهاجرت، ایران را ترک می‌کند و درگیر اتفاقات جالبی می‌شود.

### «دروازه شیطان»

### سریال جدید تلویزیون می‌شود

ساخت سریال ۱۲ قسمتی با حضور بازیگران شناخته‌شده و موضوع مشکلات کارگران و تولید ملی به‌زودی روی آنتن تلویزیون خواهد رفت. به گفته حسین عابدینی، بازیگر این سریال قرار است دروازه شیطان به‌زودی از شبکه یک پخش شود. مجید حاجی‌زاده، سرراره خام، فرشید نوبی، صدرالدین حجازی، علیرضا خرمسه و در این سریال به ایفای نقش می‌پردازند. «دروازه شیطان» به موضوع کارگران یک کارخانه می‌پردازد و نگاهی متفاوت به مشکلات کارگران و تولید ملی دارد.

### ترجمه «جشن حنابندان»

### به زبان آلمانی و انگلیسی

جشن حنابندان نوشته محمدحسین قدیمی به ۲ زبان آلمانی و انگلیسی ترجمه می‌شود. قرار است این ترجمه‌ها در کشورهای اروپایی توزیع شود. این اثر شامل ۲ گزارش از خاطرات عملیات کربلای ۵ و بیت‌المقدس ۴ است. گزارش اول کتاب در طول عملیات کربلای ۵ نوشته شده و گزارش دوم آن که مربوط به عملیات بیت‌المقدس ۴ و در مناطق غربی کشور و بخشی از خاک عراق است، به سفارش شهید سیدمرتضی آوینی و برای مجموعه «روایت فتح» نوشته شده است.

### باز پخش «مدار صفر درجه»

### از تلویزیون

سریال مدار صفر درجه از شنبه ششم آبان روی آنتن شبکه ۲ می‌رود. در این مجموعه ۳۰ قسمتی هنرمندانی همچون شهاب حسینی، ناتالی متی، رویا تیموریان، مسعود رایگان، پی‌یر داغر، لعلیا زنگنه، آتفه قفین‌نصیری، پیام دهکردی، ایرج راد، ازهم نوروزی، مصطفی عبداللهی و احمد ساعتچیان به ایفای نقش پرداخته‌اند. سریال مدار صفر درجه به تهیه‌کنندگی حسن بشکوفه و عبدالله شهبازی و کارگردانی و نویسندگی حسن فتحی که نخستین بار سال ۸۶ از شبکه یک پخش شد، از شنبه ششم آبان هر ساعت ۲۱:۱۰ از شبکه ۲ پخش خواهد شد و بازپخش‌های آن روز بعد ساعات ۱۳:۰۰ بامداد، ۱۰ صبح و ۱۶:۲۰ است.

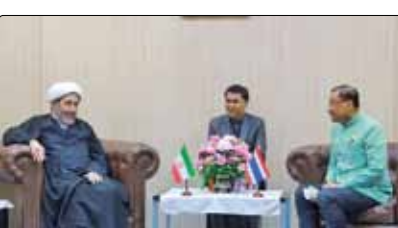
### تازه‌ترین اثر مریم بصیری

### از زیر چاپ درآمد

«مردی که همه چیز را می‌دانست» جدیدترین اثر مریم بصیری با موضوع زندگی امام محمد باقر(ع) توسط انتشارات به‌نشر به چاپ رسید. مریم بصیری که نویسنده بیش از ۶۰ اثر داستانی همچون «خیل عشق»، «زنی که پشت خزر خواب بود»، «پشت صحنه یک رویا» و... است، در جدیدترین اثر خود سراز زندگی امام محمد باقر(ع) رفته است و در ۱۰ فصل با زاویه دید دانای کل غیر محدود روایت‌هایی را در قالب شخصیت‌های مختلف در یک دوره زمانی ۲ ساله در دهه ۱۱۰ هجری که امام محمد باقر(ع) بیشتر درگیر غلات و غلوکنندگان در دین و مذاهب مختلف بودند، بیان می‌کند.

### معاهده فرهنگی ۵۰ ساله

### ایران و تایلند به روزرسانی شد



معاهده فرهنگی ۵۰ ساله ایران و تایلند با حضور حجت‌الاسلام محمد مهدی ایمانی‌پور، رئیس سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی در تایلند به روزرسانی شد.

### رمان نویس فلسطینی در حملات

### اخیر رژیم صهیونیستی شهید شد

«هیه ابو ندی» رمان نویس محبوب فلسطینی در حملات اخیر رژیم صهیونیستی به نوار غزه به شهادت رسید.

اوبندی ۳ مجموعه شعر را تألیف کرد و سال ۲۰۱۷ در جایزه خلافت شارجه در بخش رمان برای نخستین بار، آکسپوز برای مردگان نیست، مقام دوم را کسب کرد. او همچنین در رقابتی به نام ناهید الریس، نویسنده فلسطینی مقام اول را در بخش داستان کوتاه کسب کرده بود.

بسیاری از مردم در شبکه‌های اجتماعی ادای احترامی برای او نوشتند و برخی او را «اختر غزه»، «جنگجوی امید» و «نویسنده خاص» نامیدند.

### حضرت امیر المومنین(ع)

چونده ادب دوران پیش‌تر از چونده طلاست.

### روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد آخوندی  
مدیرعامل: رضا شکیبایی  
سردبیر: سید عابدین نورالدینی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹  
روابط عمومی: تلفن: ۶۶۴۱۳۷۲ | فکس: ۶۶۴۱۳۷۲ | ایمیل: info@vatanemrooz.ir  
پيام‌رسان: @vatanemrooz | بستر الكترونيك: info@vatanemrooz.ir  
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا | توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰

نگاهی به کتاب «سرباز روز نهم» آخرین کتاب تقریفاً شده توسط رهبر انقلاب

# حاج قاسم: واقعا عاشقش بودم

گروه فرهنگ و هنر: کتاب «سرباز روز نهم» روایتی جامع از زندگی مجاهدانه و خستگی‌ناپذیر شهید مدافع حرم مصطفی صدرزاده است که می‌تواند در دوره حاضر، بی‌شک الگویی دست‌یافتنی باشد. شهید صدرزاده که از سال ۱۳۹۲ با ده‌ها ترفند پایش را به سوریه باز کرد، طی ۲ سال از چهره‌های محبوب و موثر مدافعان حرم می‌شود تا جایی که سردار شهید سلیمانی را به تمجید وامی‌دارد.

«سرباز روز نهم» توانسته روایان بسیاری را گرد بیاورد که هر کدام در عرصه‌ای همراه با این شهید بودند و توانسته‌اند گوشه‌ای از سلوک معنوی و اخلاقی او را از نزدیک مشاهده کنند. از والدین و همسر شهید گرفته تا دوستانی که در پایگاه بسیج و بعدتر در دفاع از حرم با او همراه بوده‌اند، در این کتاب خاطرات خود را بیان کرده‌اند.

شهید صدرزاده جوان بسیار فعالی بود که در عرصه جهاد فرهنگی و نظامی کارهای درخشانی از خود برجا گذاشت و حتی هدف خود از شهادت را این می‌دانست که بتواند دست بازتری برای کار فرهنگی داشته باشد.

کتاب بخوبی نشان می‌دهد جوانی که نه انقلاب و نه جنگ را درک کرده، توانست با دنبال‌روی از سیره شهدا و تهذیب نفس به جایگاهی برسد که بسیاری حتی در دفاع‌مقدس نیز توفیق رسیدن به آن را نداشتند.

کتاب در ۹ بخش به تفصیل، ابعاد زندگی این شهید را موشکافانه بررسی و روایت کرده و نشان می‌دهد مصطفی در هر دوره چگونه با روحیه جهادی تنها به خدمت برای مردم و انقلاب می‌اندیشیده است.

رهبر حکیم انقلاب نیز در تقریظ‌شان درباره این کتاب، چنین مرقوم فرمودند: «پیش از این کتاب دیگری در شرح حال شهید صدرزاده خوانده‌ام ولی ابعاد شخصیت محبوب و چندجانبه این شهید عزیز در این کتاب بیشتر بیان شده است. این چهره برجسته بی‌شک یک الگو است برای جوانان امروز و فردا. اراده قوی، فهم درست، روحیه ایثار، شجاعت، خستگی‌ناپذیری، ادب، دل‌انباشته از محبت و صفا، و بسی دیگر از خصوصیات برجسته، بخش‌هایی از شخصیت این جوان فداکار و انقلابی نسل‌های دوم و سوم انقلاب است. خواندن این کتاب برای من غبطه‌انگیز است.

این گل‌های سرسید به چه مقاماتی رسیدند و من و امثال من چگونه در این مسیر، پای در گل ماندیم...»

مصطفی صدرزاده، فرمانده گردان عمار لشکر فاطمیون، اول آبان ۱۳۹۴ مصادف با تاسوعای حسینی در حلب سوریه به شهادت رسید، چند روزی پیش از شهادت صدرزاده را به نقل از کتاب «سرباز روز نهم» می‌خوانیم:

■ **با دمپایی رفتیم!**  
**محمد صدرزاده:** با دمپایی رفته بودم سر کوچه نان بخرد. منتظرش بودیم. تلفن زنگ زد. مادرش جواب داد. همان‌طور که گوشی به دست به نقطه‌های ماتش برده بود، با تعجب پرسید: «با دمپایی!؟»

تلفن که قطع شد هنوز متعجب ما را نگاه می‌کرد. گفت: «مصطفی بود». حالا ما هم تعجب کردیم و منتظر بودیم. ادامه داد: «مصطفی گفت نگران نباشید، دارم برای کمک به هم می‌روم!»

سال اول حوزه بود که بم زلزله شد. رفته بود نان بخرد اما سر از فرودگاه دراورده بود. یکی از بچه‌های هلال‌احمر شهریار را در فرودگاه دیده بود و به واسطه او سوار هواپیما شده بود؛ آن هم با دمپایی.

هیچ‌وقت نمی‌شد او را پیش‌بینی کرد.  
■ **بچه‌گره‌ها**  
**سجاد ابراهیم‌پور - محمد علی محمدی:** آقا مصطفی تا پایش می‌رسید سر کوچه، تمام بچه‌گره‌های محل دورش جمع می‌شدند؛ بس که دل‌رحم و مهربان بود با پرنده‌ها و گربه‌ها.

دور مصطفی ۱۵ ساله که جمع می‌شدیم، هر کسی از سمتی سعی می‌کرد خودش را به او بچسباند. مصطفی بود و یک عالمه بچه‌فلسفی دوروبرش. نیروهای بزرگ‌تر می‌خندیدند و می‌گفتند:

■ **بچه‌گره‌ها**  
**محمد ابراهیم‌پور - محمد علی محمدی:** آقا مصطفی تا پایش می‌رسید سر کوچه، تمام بچه‌گره‌های محل دورش جمع می‌شدند؛ بس که دل‌رحم و مهربان بود با پرنده‌ها و گربه‌ها.

دور مصطفی ۱۵ ساله که جمع می‌شدیم، هر کسی از سمتی سعی می‌کرد خودش را به او بچسباند. مصطفی بود و یک عالمه بچه‌فلسفی دوروبرش. نیروهای بزرگ‌تر می‌خندیدند و می‌گفتند:

■ **بچه‌گره‌ها**  
**محمد ابراهیم‌پور - محمد علی محمدی:** آقا مصطفی تا پایش می‌رسید سر کوچه، تمام بچه‌گره‌های محل دورش جمع می‌شدند؛ بس که دل‌رحم و مهربان بود با پرنده‌ها و گربه‌ها.

■ **بچه‌گره‌ها**  
**محمد ابراهیم‌پور - محمد علی محمدی:** آقا مصطفی تا پایش می‌رسید سر کوچه، تمام بچه‌گره‌های محل دورش جمع می‌شدند؛ بس که دل‌رحم و مهربان بود با پرنده‌ها و گربه‌ها.

■ **بچه‌گره‌ها**  
**محمد ابراهیم‌پور - محمد علی محمدی:** آقا مصطفی تا پایش می‌رسید سر کوچه، تمام بچه‌گره‌های محل دورش جمع می‌شدند؛ بس که دل‌رحم و مهربان بود با پرنده‌ها و گربه‌ها.

■ **بچه‌گره‌ها**  
**محمد ابراهیم‌پور - محمد علی محمدی:** آقا مصطفی تا پایش می‌رسید سر کوچه، تمام بچه‌گره‌های محل دورش جمع می‌شدند؛ بس که دل‌رحم و مهربان بود با پرنده‌ها و گربه‌ها.

■ **بچه‌گره‌ها**  
**محمد ابراهیم‌پور - محمد علی محمدی:** آقا مصطفی تا پایش می‌رسید سر کوچه، تمام بچه‌گره‌های محل دورش جمع می‌شدند؛ بس که دل‌رحم و مهربان بود با پرنده‌ها و گربه‌ها.

■ **بچه‌گره‌ها**  
**محمد ابراهیم‌پور - محمد علی محمدی:** آقا مصطفی تا پایش می‌رسید سر کوچه، تمام بچه‌گره‌های محل دورش جمع می‌شدند؛ بس که دل‌رحم و مهربان بود با پرنده‌ها و گربه‌ها.

■ **بچه‌گره‌ها**  
**محمد ابراهیم‌پور - محمد علی محمدی:** آقا مصطفی تا پایش می‌رسید سر کوچه، تمام بچه‌گره‌های محل دورش جمع می‌شدند؛ بس که دل‌رحم و مهربان بود با پرنده‌ها و گربه‌ها.

■ **بچه‌گره‌ها**  
**محمد ابراهیم‌پور - محمد علی محمدی:** آقا مصطفی تا پایش می‌رسید سر کوچه، تمام بچه‌گره‌های محل دورش جمع می‌شدند؛ بس که دل‌رحم و مهربان بود با پرنده‌ها و گربه‌ها.

■ **بچه‌گره‌ها**  
**محمد ابراهیم‌پور - محمد علی محمدی:** آقا مصطفی تا پایش می‌رسید سر کوچه، تمام بچه‌گره‌های محل دورش جمع می‌شدند؛ بس که دل‌رحم و مهربان بود با پرنده‌ها و گربه‌ها.



### واقعا عاشقش بودم

حاج قاسم سلیمانی: من در دیرالعدس دیدم که صدای خیلی برجسته‌ای مثل داش مشت‌های تهرونی توی بی‌سیم حرف می‌زد. گفتم: «این کیسه؟ این جوان تهرانی از کجا آمده توی فاطمیون جا گرفته؟» او داشت با حسین ابادیا صحبت می‌کرد. صبح که بچه‌ها از دیرالعدس به محل دانشکده برگشتند، از حسین سوال کردم. گفتم: «این سیدابراهیم (شهید مصطفی صدرزاده) این سیدابراهیم که با یک صدای کلفت و گنده صحبت می‌کرده، نشان داد. دیدم جوان باریک و نحیفی است. گفتم: «سیدابراهیم اینه؟» گفت: «آره». گفتم: «من فکر می‌کردم یک غولی هست، قد بلندی داره و چهارشونه و گنده هست.» جوان تودل‌برویی بود. آدم لذت می‌برد نگاهش بکنم. من عاشقش بودم، واقعا عاشقش بودم. آن‌وقت این جوان چون ما راهش نمی‌دادیم باید، به مشهد رفت. در قالب فاطمیون خودش را به اسم افغانستانی ثبت‌نام کرد. زرنگ این است. زرنگ به من و امثال من نمی‌گویند. زرنگ آن نیست که دنبال مال جمع کردن و گول زدن مردم است. زرنگ و باذکات کسی است که این فرصت‌ها را اینطوری به دست می‌آورد و بالاترین بهره را از آن می‌گیرد. به این می‌گویند کسی که از فرصت به نحو احسن استفاده می‌کند و به دست می‌آورد. این درست است.

چرا این کار را کرد؟ چون خیلی قیمت داشت. «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَأَنَّهُمْ مُّضَوُّونَ»، خدا کسی را که در راهش جهاد می‌کند دوست دارد. اگر خدا کسی را دوست داشته باشد، محبتش را، عشقش را، عاطفه‌اش را و همه چیزش را در دل‌ها پراکنده می‌کند. ایه این دلیل است! که من سیدابراهیم را دوست داشتم. «اولاً» مثل سیدابراهیم و با شکل سیدابراهیم توی خیابان‌های تهران خیلی زیاد هستند. \*\*\*

کتاب «سرباز روز نهم» زندگینامه جامع شهید مدافع حرم مصطفی صدرزاده» که اخیراً چاپ بیستم آن منتشر شده و پژوهش و مصاحبه آن بر عهده محمد مهدی رحیمی، پریسا وزیرلو و فرزانه مردی بوده و تدوین آن توسط نوید نوروزی و پریسا وزیرلو انجام شده و نعیمه منتظری هم بازنویسی آن را انجام داده، توسط انتشارات «راه یار» عرضه شده است.

### رفت سپاه قدس ولی گفتند مدرک لیسانس و داشتن

کارت پایان خدمت جزء شرایط عضویت است. مصطفی هم که هیچ‌کدام را نداشت، به هر دردی زد نشد. نامیدانه سر به مزار شهدای گمنام گذاشت و مدام می‌گفت: «تو رو به خدا کار منوراه بنده‌ام، من باید برم». وقتی که می‌دید التماس‌های بی‌فایده است، شروع می‌کرد به داد و ببیداد کردن و شایخ و شانه کشیدن برای شهدا که آبروی‌تان را می‌برم. به شهدا گفت: «تا حالا هر کاری کردم، برای شما کردم. خواستم مقام شهدا را بالا ببرم. اما که دست منو نگیرید و بهم کمک نکنید، می‌ام اینجا داد می‌زنم و می‌گم اینا هیچ چیزی نمی‌دن؛ الکی اینجا نیاید». پیش گفتم: «آن‌شاه‌الله هر چی به صلاح‌ته همون میشه، غصه نخور». گفت: «از خدا دیگه صلاح نمی‌خوام؛ سلاح می‌خوام. دعا کن خدا به من سلاح بده».

■ **اذنی که ما دادیم**  
**مصطفی صدرزاده:** قبل از اینکه وارد میدان جنگ شوم، برایم سوال بود که چطور این رزمندگان جلوی گلوله می‌ایستند. وقتی توی درگیری‌ها موقعیتش پیش آمد و تیر از این طرف و آن طرف‌مان رد شد، با خودم گفتم: توانستم ما هم مثل رزمندگان قدیم جلوی گلوله بایستیم و جلو برویم. کمی غرور آمد سراغم. این ماجرا توی ذهنم بود و داشتم از خانه ساکم را برمی‌داشتم، بدون اینکه خانواده متوجه شود بروم. منقله، بلند شدم در کمد را باز کنم، جرأت نکردم. انگار قلم داشتم به قفسه سینمام لگد می‌زد. آنقدر استرس داشتم که وقتی از راه‌پله پایین می‌رفتم، یک چیزی توی دلم گفت تو که از خانه خودت داری جدا می‌شوی، از استرس داری می‌میری. قلبت دارد می‌ایستد؛ آنجا اگر کاری داری می‌کنی، اگر دست به اسلحه می‌بری، اگر جرأت جنگیدن داری؛ ما آن را به تو دادیم، تو هیچ چیز نیستی. واقعا هم همین‌طور است. اگر جرأت جنگیدی هست، اگر اذنی هست؛ اذن میدان را خودشان دادند و تمام این مجاهدت‌ها همه از لطف و کرم بی‌بی زینب(س) است.



### تازه‌ترین آثار هنرمندان تجسمی در واکنش به جنایات رژیم صهیونیستی

نشان می‌دهند. در این راستا گرافیک‌ها و کاریکاتورهای بسیار از هنرمندان سایر رشته‌ها میدان‌داری می‌کنند و به نوعی در خط مقدم مبارزه هنری با نسل‌کشی‌های مهیب رژیم

آثار هنری از همان ابتدا همراهی خود را با ملت غیور فلسطین نشان داده‌اند، همچنان در میدان مبارزه حضوری فعال دارند و با خلق آثار هنری به جنایات رژیم غاصب صهیونیستی واکنش

